



قهرمان رکورددار

قهرمانی بعد از ۹ سال انتظار برای استقلال و هوادارانش شیرین تر از قند بود. تیمی که طرفدارانش را نزدیک یک دهه منتظر گذاشت تا جشن قهرمانی به راه بیندازند، سرانجام با ثبت رکوردهای بی نظیر به هدفش رسید.

استقلال فصل را با انگیزه و هدفمند شروع کرد و مزد اتحاد و سختکوشی‌اش را در پایان فصل گرفت. در شرایطی که سایر مدعیان اسیر جنگ بیابانه‌ها بودند، آبی‌ها تحت رهبری فرهاد مجیدی کمتر از بقیه اسیر حاشیه شدند و با دور ماندن از هیاهوها تمرکزشان را معطوف به حفظ رکورد شکست‌ناپذیری کرد تا در نهایت به خواسته خود رسیدند. این تیم از همان ابتدا بنا را بر نداشتن گذاشت. بیزاری از باخت باوری بود که سرمربی جوان آن را به خوبی به شاگردانش انتقال داد و ثمره‌اش را نیز گرفت. قهرمانی بدون باخت، بهترین خط دفاع، کسب بیشترین امتیاز در تاریخ لیگ برتر و ثبت بیشترین گلین شیت رکوردهایی بود که استقلال با مجیدی به آنها رسید و مدعیان برای عبور از این رکوردها در فصول آتی کار سختی خواهند داشت.

بخش اعظم موفقیت استقلال حاصل انگیزه‌ای است که مجیدی داشت و سال‌ها برای محقق کردن آرزوهایش صبر کرد. او ۶ سال بعد از اینکه به عنوان بازیکن، جام قهرمانی را بالای سر برد، در کسوت سرمربی به این افتخار دست یافت. در طول فصل سرمربی محبوب آبی‌ها خیلی زود خودش را از حواشی دور کرد و با همین تاکتیک تا لحظه آخر هم خودش برای قهرمانی جنگید و هم شاگردانش را به سمت این هدف مهم سوق داد. رسیدن به این رکوردهای مهم حاصل تلاش همه‌جانبه‌ای است که هر کس به بهترین شکل ممکن وظیفه‌اش را انجام داده است؛ بازیکنان به حرفشان پایبندند و به هرگز دست از جنگیدن برنداشتن، ثبات مدیریتی هم از جمله نکات مثبتی بود که کادرفنی را در رسیدن به هدف بزرگ یاری کرد.

پشت سر گذاشتن یک فصل سراسر موفق به همراه رکوردهای مختلف، محبوبیت فرهاد مجیدی را دوچندان کرد. در حالی که شاید خیلی‌ها خیال می‌کردند قدم بعدی مجیدی با استقلال موفقیت در لیگ قهرمانان آسیا باشد، اما رفتن مجیدی همه چیز را تغییر داد. حتی استقلال قهرمان را.



میهمان یک فصله

دیر آمدند و زود رفتند، روزگاری نه‌چندان دور فجر شهید سیاسی شیراز هم بازیکن ساز بود هم غول کش اما از صدقه‌سری فوتبال آماده‌خور و سوم‌پریت چنان سقوط کرد که سال‌ها طول کشید تا دوباره به سطح اول فوتبال برگردد اما این برگشتن حتی بدتر از آن سقوط بود. برگشتی فقط برای یک فصل و حالا باز هم سقوط و سقوطی که شاید دیگر بازگشتی در کارش نباشد.

فجر دوست‌داشتنی این فصل در لیگ برتر فقط ۱۷ امتیاز کسب کرد با دو برد، ۱۱ مساوی و ۱۷ باخت تا کوچک‌ترین نشانی از آن فجر کوبنده و تأثیرگذار سال‌های قبل نداشته باشد. شیرازی‌ها امیدوار بودند با حضور دوباره و ماندن در لیگ برتر خاطرات سال‌های قبل را زنده کنند و همان تیمی را داشته باشند که رویارویی با آن کابوسی تمام بالانشین‌ها بود اما نشد که نشد. نماینده شیراز باز هم سقوط کرد. فجری‌ها حتماً بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که سقوط به دسته پایین‌تر، یعنی یک فاجعه که جبران آن به این سادگی‌ها نیست. فجر در سقوط دوباره به لیگ دسته اول شرایطی به مراتب بدتر از قبل را تجربه خواهد کرد؛ شرایطی که می‌تواند حتی نام شیرازی‌ها را برای همیشه از فوتبال ایران پاک کند مگر آنکه...



استفاده‌بینه‌از استعدادهای جوان

ورود نسل جوان به عرصه مربیگری اتفاقی مثبت برای فوتبال ایران محسوب می‌شود. در این فصل از لیگ برتر حضور این نسل بیش از همیشه به چشم آمد و نتایجی که آنها به همراه تیم‌هایشان گرفتند، حاکی از پتانسیل مربیان تازه‌نفس برای درخشش و کمک به فوتبال کشور است. شاید تا همین چند سال پیش تنها نام چند مربی پایه‌سن گذاشته تکراری شنیده می‌شد؛ مربیانی که به صورت چرخشی از یک تیم به تیم دیگری می‌رفتند، اما در لیگ بیست‌ویکم چند مربی جوان سرنوشته تیم‌های قهرمان و بالای جدولی را تعیین کردند. مجیدی استقلال را به جام رساند، گل محمدی با پرسپولیس نایب قهرمان شده، سپاهان با نویدکیا عنوان سومی را به دست آورد و فولاد هم با جواد نکونام رتبه پنجم را از آن خود کرد. این در حالی است که سیدمهدی رحمتی در آومینیوم و رضا عنایتی در تیم هوادار نیز عملکرد قابل قبولی به ثبت رساندند و حتی سیدعباسی سرمربی تیم سقوط کرده شهر خودرو نیز حرف‌های زیادی برای گفتن داشت. در مجموع باید موج حضور مربیان باتجربه و مستعد تأثیر زیادی روی لیگ برتر داشته است. برای آنکه بتوان بیش از پیش از این پتانسیل بهره برد، باید برنامه‌های آموزشی دقیق و حرفه‌ای از سوی فدراسیون فوتبال برای شان تدارک دیده شود، چراکه بهترین مربیان حال حاضر جهان نیز ابتدا دوره‌های تئوری فوتبال حرفه‌ای را پشت سر گذاشته و پس از آن پله پله مسیرشان را تا رسیدن به تیم‌های بزرگ هموار کرده‌اند. بدون شک مربیان جوان ما نیز بدون توجه به بحث آموزش و گرفتن مدارک مورد تأیید بین‌المللی نباید انتظار موفقیت‌های بیشتری داشته باشند.

از چه چیز فوتبال لذت می‌بریم؟

راهی طولانی تا حرفه‌ای شدن

گروه ورزشی

بیست‌ویکمین دوره رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران در حالی با قهرمانی استقلال به پایان رسید که با گذشت دو دهه از عمر این مسابقات، هنوز فوتبال ایران را نمی‌توان حرفه‌ای نامید. ۲۱ دوره از لیگ برتر و از روزی که اعلام شد فوتبال ایران حرفه‌ای شده است، گذشت، اما هنوز هم تعداد تیم‌هایی که در دست در جیب خودشان دارند، حتی به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. هنوز تیم‌ها حتی زمین تمرین و امکانات اولیه یک تیم معمولی را ندارند و همین مسئله باعث شده است، حتی برای حضور در لیگ قهرمانان آسیا با چالشی اساسی روبه‌رو باشیم. ۲۱ دوره از لیگ گذشت اما همچنان مشکلات داوری و به‌روز نبودن مردان سیاه‌پوش میدان فوتبال یا برعکس، هنوز هم بسیاری از مردانی که به اسم سرمربی روی نیمکت تیم‌های باشگاهی حاضر در لیگ برتر می‌نشینند، حتی بدیهی‌ترین تدابیر مدارک مربیگری

را هم ندارند و مدار اولیه مربیگری را طی نکرده‌اند. به همه اینها اضافه کنید بحث مهم شفافیت‌های مالی و پرداخت‌های غیراصولی و قراردادهایی که فقط و فقط ضرر و زیان آن به بیت‌المال وارد می‌شود، آن هم در روزگاری که باشگاه‌های بزرگ جهان نیز به خاطر مسائل مالی به راحتی زیر سؤال می‌روند و باید پاسخگو باشند. ۲۱ دوره از لیگ را پشت سر گذاشتیم، هنوز از حرفه‌ای بودن فقط تغییر شماره لباس‌ها از فارسی به انگلیسی‌نصب‌مان شده و البته بازیکنانی که شاید امروز چندمیلیون می‌ارزند اما چندین میلیارد پول می‌گیرند. ۲۱ دوره از لیگ برتر گذشت اما فوتبال باشگاهی ایران هنوز راه درازی تا حرفه‌ای شدن در پیش دارد و البته از یاد نبریم که ما حتی تعریف درستی از باشگاه هم نداریم و تشکیلاتی که امروز می‌بینیم، فقط نام باشگاه را یدک می‌کشد. اینکه از چه چیز این فوتبال لذت می‌بریم، سوالی است که هنوز کسی پاسخخی برای آن پیدا نکرده است.



سوت‌های فاجعه‌بار!

هر فصل بدتر از فصل بعد. این بهترین توصیف از وضعیت داوری فوتبال ایران است؛ جامعه‌ای که در سال‌های نه‌چندان دور نفرات قابل‌تکلیفی در لیست بین‌المللی داشت اما به واسطه نظارت‌نداشتن اصولی در روند بالا آمدن علاقه‌مندان و اتفاقاتی که بی‌ارتباط با لایه افراد نیست، کیفیت قضاوت داوران ایرانی به شدت پایین آمده است؛ مسئله‌ای که اگر چه برگزار نشدن کلاس‌های آموزشی و به‌روزرسانی دانش داوری سهم‌بسنزی در آن دارد اما معضل اصلی آن نظارت‌نداشتن بر انتخاب‌های انجام‌شده در استان‌هاست که سبب راه یافتن افرادی به جامعه داوری شده است که گاه شنیده می‌شود، حتی حاضر به شرکت در تست‌های انتخابی نیز نشده‌اند و با یک تماس، کارشان راه افتاده و نام‌شان در لیست قرار گرفته است؛ مسئله‌ای که سال‌هاست جدی گرفته نمی‌شود و به همین دلیل در لیگ بیست‌ویکم جنجال‌های بسیاری را به پا کرده، به طوری که کمتر هفته‌ای بود که بدون اعتراض مربیان و بازیکنان از نحوه قضاوت‌های داوران به پایان برسد، اما بی‌شک اوضاع با توجه به ضرورت آموزش داوران با تکنولوژی VAR از این هم بدتر و سهم جامعه داوری ایران در بین داوران بین‌المللی کمتر از قبل خواهد شد، مگر آنکه حاشیه‌های ناشی از قضاوت‌های جنجالی داوران در لیگی که به پایان رسید، آقایان را به صرافت احیا کرد این حوزه بیندازد.



آن ۷ امتیاز لعنتی

بعید است مسیر جانی‌ها تا سال‌ها نام بانیم بوکوم گابنی را فراموش کنند؛ همان بازیکنی که حضور غیرقانونی‌اش در سه مسابقه هفت امتیاز را از تیم قلعه‌نویی گرفت تا گل گهر که خود را از مدعیان بالانشین معرفی کرده بود، خیلی زود با چالش روبه‌رو شود. گل گهر سپاهان و پیکان را برده و با استقلال مساوی کرده بود اما شکایت این سه تیم بابت استفاده گل گهر از بازیکن گابنی باعث شد گل گهر در هر سه مسابقه بازنده اعلام شود و هفت امتیاز هم را از دست بدهد.

اعتراض‌ها هم به جایی نرسید، حتی مدارک جدید هم رو شد اما فایده‌ای نداشت. گل گهر هم هفت امتیاز از دست داد و هم به لحاظ روحی خراب شد، با این حال قلعه‌نویی به عنوان یکی از موفق‌ترین مربیان تاریخ لیگ برتر، تیمش را به لیگ برگرداند و در نهایت هم توانست جایگاه چهارم جدول را به دست آورد با ۵۱ امتیاز از ۱۳ برد، ۱۲ مساوی و پنج باخت؛ امتیازی که اگر عدد ۷ را به آن اضافه کنیم، می‌شود ۵۷ یعنی یک امتیاز بیشتر از سپاهان ۵۶ امتیازی یعنی رتبه سوم جدول یعنی کسب سهمیه لیگ قهرمانان آسیا و تازه این فقط مربوط به هفت امتیاز است و بماند که با روحیه‌ای که مردان قلعه‌نویی داشتند، حتی می‌توانستند بالاتر هم بروند.

آن هفت امتیاز لعنتی نسخه گل گهر را پیچید و در نهایت عنوان چهارمی را برای‌شان به ارمغان آورد. حالا باید دید که آنها چگونه برای لیگ آینده آماده می‌شوند و قلعه‌نویی چگونه انگیزه شاگردانش را برای دستیابی به رتبه‌های بالاتر حفظ می‌کند.



دبل هت‌تریکی که محقق نشد

لیگ بیست‌ویکم با شعار کسب ششمین جام آغاز شد؛ جامی که هرگز به کلکسیون پرسپولیس اضافه نشد؛ آن هم در شرایطی که این شاید تنها فصلی بود که صفر تا صد تیم طبق نظر سرمربی بسته شد، اما آنچه پرسپولیس برای ادامه راه قهرمانی به آن نیاز داشت، چیزی فراتر از این حرف‌ها بود. برخلاف سال‌های قبل پرسپولیس در این دوره از رقابت‌های لیگ برتر در حد و انداز؛‌های قهرمان ظاهر نشد و حضور مداوم در ملث قهرمانی نیز نتوانست دلیل خوبی باشد تا یحیی یک قهرمانی دیگر را با سرخپوشان تجربه کند. مشکل اصلی سرخپوشان این بار کاملاً داخلی بود. برخلاف سال‌های قبل، نبرد اصلی نه در مستطیل سبز برابر حریفان که در درون تیم و باشگاه بود؛ نبردی که هیچ برنده‌ای نداشت و دست آخر نیز جام را از سرخپوشان گرفت. تیمی غیبی اصلاً برای قهرمانی بسته نشده است. اصرار به استفاده نکردن از مهره‌های باتجربه‌ای چون سیدجلال، از دست دادن گلر موقتی چون رادووشویچ، بی‌توجهی به ضعف‌های فنی تیم و درگیری‌های گاه و بی‌گاه با مدیریت باشگاه پرسپولیس را از هدف اصلی خود که کسب ششمین قهرمانی بود دور کرد. در واقع حاشیه‌های خودساخته و بی‌توجهی به نیاز تیم برای کام برداشتن در مسیر موفقیت در کنار مدیریت پرابرد پرسپولیس باعث شد سرخپوشان برخلاف انتظار عموم به خصوص هواداران، به شکلی ناباورانه توار قهرمانی‌های خود را به دست خود پاره کنند.



نمایش چشمگیر پدیده‌ها

کمتر کسی تصورش را می‌کرد هوادار؛ تیمی که صفر تا صد آن را رضا عنایتی، مهاجم سابق استقلال در دست داشت نه فقط از ماران لیگ بیست‌ویکم جان سالم به در ببرد که در نخستین حضورش در سطح نخست فوتبال ایران کارش را با حضور در ده دهم و میانه‌های جدول به پایان ببرد؛ تیمی که بعد از صعودش به رقابت‌های لیگ برتر حرف و حدیث بسیاری در خصوص فروش آن به گوش می‌رسید، اما هوادار با هدایت عنایتی، سرمربی مالک مشهدی خود بعد از پشت سر گذاشتن یک فصل رویایی لیگ برتری شد و به رغم تمام مشکلاتی که عمده آن مسائل مالی بود، توانست با کسب نتایج قابل قبول، حضورش در سطح نخست فوتبال ایران را تمدید کند. درست مانند مس رفسنجان و آومینیوم اراک که با وجود مشکلات و تغییرات متعدد در کادرفنی، دومین سال حضور خود در رقابت‌های لیگ برتر را نیز با حضور در میانه‌های جدول به پایان رساندند. آومینیوم اراک که مدت‌ها در میان مدعیان بالای جدولی جای داشت، این فصل هم در دو بازی رفت و برگشت، پرسپولیس را به زانو درآورد و تیم‌های مدعی چون استقلال، فولاد و تراکتور را نیز متوقف کرد تا لقب غول کش لیگ را به خود اختصاص دهد. مس رفسنجان هم برخلاف انتظار فصل خوبی را با نمایش‌های قابل قبول به پایان برد تا همانند هوادار و آومینیوم یکی از پدیده‌های قابل توجه لیگ باشد.



شور هواداران روی سکوها

پشت سر گذاشتن روزهای تلخ کروناوی برای همه سخت بود؛ روزهایی که با شنیدن آمار مبتلایان، بستری‌ها و فوتی‌ها هم غصه می‌خوردیم و هم نگران آینده بودیم. مسابقات ورزشی اگر چه بعد از مدتی با سختگیری‌های زیاد از سر گرفته شد ولی جای خالی تماشاگران به شدت احساس می‌شد. این موضوع در استادبوم‌های فوتبال بیش از پیش به چشم می‌آمد. تماشاگر دربی در ازادی خالی از جمعیت بسیار سخت بود. خوشبختانه با گذر از پیک‌های متعدد واکسیناسیون عمومی در فصل بیست‌ویکم شرایط برای بازگشت تماشاگران مهیا شد، اگر چه ابتدا محدودیت‌هایی از نظر تعداد تماشاگر در نظر گرفته می‌شد، ولی در میانه فصل و به ویژه در هفته‌های پایانی عاشقان فوتبال با همان شور و اشتیاق پیش از کرونا صندلی ورزشگاه‌ها را پر و از جان و دل تیم محبوب‌شان را حمایت کردند. دین بازی‌ها با حضور پر تعداد هواداران حتی برای آنها که پای جمعه‌جادی رسیدند هم لذت‌بخش بود. تیم‌ها و بازیکنانش از تشویق تماشاگران انگیزه می‌گرفتند و بهترین بازی‌شان را ارائه می‌کردند، البته در برخی بازی‌ها بازگشت هواداران در ورزشگاه‌ها با بازگشت حاشیه به روی سکوها همراه بود، توهین‌های گسترده به تیم و قیب‌دانان جنجال‌هایی را به همراه داشت. داستان سنگ‌پرانی و نیمه‌تمام ماندن دیدار تراکتور-پرسپولیس را هم که دیگر همه شنیده‌اند، قطعاً اینگونه رفتارهای حاشیه‌ساز و غیرفرهنگی از سوی هیچ‌کس مورد تأیید نیست و باید با آنها برخورد شود، اما با فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی در این زمینه از سوی مسئولان فوتبال، می‌توان بیش از پیش از پتانسیل شور و شوق هواداران ایرانی در استادبوم‌ها بهره برد.